

...وخلق، پایدار و استوار است

بیانیه حزب کمونیست عراق

برای گسترش مبارزه در صفوف متحد و همبستگی استوار با توده‌های مردم و کلیه میهن‌دوستان در ارتش، برای سرنگون ساختن رژیم دیکتاتوری و خاتمه دادن به جنگ

صفحه ۲

* یا باید با تحمل مشکلات و دشواریهایی که دشمن اصلی، شیطان بزرگ - آمریکا بر ما تحمیل می‌کند، بی تزلزل به پیش، بسوی دستیابی به استقلال و آزادی و ترقی پیشرویم، یا به احیای دوران پراوردبار و تیره گذشته کمک رسانده‌ایم.

قلمی این کارزار توفنده، از برای نخواهد نشست.

سخنان امام خمینی، طنین عزم و اراده زحمتکشان و محرومان را داشت که آینده را از آن خویش می‌دانند و با دشواریها از همین زاویه رو بر می‌شوند: پایداری و استقامت امروز، پیروزی فردا را نصیب ما خواهد کرد.

امام خمینی، درسرخان خویش، تلاشیهای خائنه کسانی را که می‌کوشند از گناه کبیره بی‌سازند و با دم مسوم خویش در قلب و روح مردم بدمند و آنها را نسبت به ادامه راه انقلاب دلبرد سازند، بقیه در صفحه ۲

بازار و جنبش‌ها را به حفظ دستاوردهای انقلابی، که در واقع ثمره خون آنها و برای فرزندان آنهاست، دعوت کرده‌اند.

ندای امام خمینی، که علی‌رغم جنجالهای قدرت‌طلبانه اقتدار و طبقات برآینده، بدون هیچ تزلزل شعله امید به فردا را در قلب مردم شعله‌ور کرده و محروم میهن ما فروزان نگه میدارد، از ایمان و اعتقاد به نیروی توده‌های میلیونی سرشار است و آینده را از آن او میداند؛ طنین آرمانهای خلق زحمتکشی است که سالهاست برای کسب استقلال و آزادی و نیل به یک زندگی انسانی، رزمیده است و بیشک تا فرجام

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در مقابل خانواده‌های شهیدای نیروی هوایی، همه مردم را به پایداری، استقامت و استواری درقبال مشکلات فراخوانده و آنها را به پیروزی نوید دادند. رهبر انقلاب، در چند سخنرانی اخیر خویش، چون روح بزرگ یک انقلاب توفنده، که برای فتح عرصه‌های فردا، به اوج چنگ می‌اندازد از آینده روشن سخن گفته‌اند، مشکلات و دشواریها را در قبال هدف سترگ استقلال و آزادی، خوارشمرده‌اند، بر کوه نظران جسامت طلب خشم گرفته‌اند و زحمتکشان کوچک و

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱۱۵
یکشنبه ۲۳ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۲۷ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

نامه آقای ابوالقاسم صادق به «نامه مردم»

در روزنامه «جمهوری اسلامی»، مورخ ۱۱-۱۰-۵۹، نامه آقای ابوالقاسم صادق، سرپرست حوزه معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی، به نامه «مردم» در پاسخ به مقاله نامه «مردم» زیر عنوان «حفظ تشریفات حزب توده ایران فقط بسود انقلاب و جمهوری اسلامی است» مندرج در شماره ۴۰۶، مورخ ۸-۱۰-۵۹، بیجا رسیده است. متأسفانه چنین نامه‌ای تاکنون به نامه «مردم» نرسیده است. ولی برای آنکه تاخیری در درج نامه آقای ابوالقاسم صادق به نامه «مردم» روی ندهد، ما این نامه را از روزنامه «جمهوری اسلامی» عیناً نقل می‌کنیم:

سرپرست روزنامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

در رابطه با مقاله «حفظ تشریفات حزب توده ایران فقط بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است» که در شماره ۴۰۶ مورخ دوشنبه ۸ دیماه ۱۳۵۹ در صفحه اول آن تشریح درج گردید پاسخ زیر را در همان صفحه بر اساس قانون مطبوعات مصوب بیستم مرداد ماه هزار و سیصد و پنجاه هشت درج نمائید.

حزب توده ایران هدفی جز سرنگون کردن نهائی دولت بر حق جمهوری اسلامی ایران و برقراری یک سیستم کمونیستی در این کشور ندارد و در این راه پیروی ظاهری از امام و حمایت ظاهری از انقلاب تنها در رابطه با آن هدف‌های است. اگر در راه مبارزه با امپریالیسم غرب و شرق دو قطره خون در بدن من باقی مانده باشد اولین قطره را در راه مبارزه با امپریالیسم غرب و آخرین قطره را در راه مبارزه با کمونیسم خواهم داد.

ابوالقاسم صادق
سرپرست حوزه معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی

۵ انبار مهمات و ۱۱ تانک دشمن نابود شدند

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، طی اطلاعیه شماره ۳۵۶ خود وضع جبهه‌ها و عملیات رزمندگان انقلاب را تا آخر وقت ۱۲ دیماه، به این شرح اعلام کرد:

۱- دیروز (۱۲ دیماه) در اثر نیروهای رزمنده اسلام در منطقه مارد و محور آبادان - ماهشهر پنج دستگاه تانک، چهار دستگاه خودرو، سه سنگر خیمه‌ای و سه انبار مهمات دشمن منهدم گردید و بیش از ۲۳ نفر از افراد ارتش عراق کشته و زخمی شدند. در این عملیات ۱۱ نفر از نیروهای خودی شهید و ۳۸ نفر مجروح گردیدند. بقیه در صفحه ۲

سرمايه‌های بزرگ وابسته تجاری و جنبش تعاونی در ایران

آنجا که تجار بزرگ بفکر تشکیل شرکتهای تعاونی می‌افتند!

حیله جدید سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری در ضربه زدن به نظام تعاونی و حفظ منافع و مواضع غارتگرانه خود.

سرمایه بزرگ تجاری و تعاونی‌ها در شهر خود بر بازار ایران، یکی از عوامل عمده و اساسی جلوگیری از فعالیت تعاونی‌ها بوده است. هر جا که عمده‌ای حقوق و مزد بگیر، چه بقیه در صفحه ۲

چند یادآوری

۱. آقای ابوالقاسم صادق در تاریخ ۶ دیماه در یک مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه «کیهان» پیرامون لایحه جدید مطبوعات، از جمله خواستار آن شده بود که «کمسیون رسیدگی به امتیازها»، امتیاز تشریفات را که برخلاف راندهای اولیه‌شان قدم بر میدارند، لغو نمایند. آقای ابوالقاسم صادق سپس «مثلاً از حزب توده ایران و ارگان مرکزی آن، نامه «مردم» نام برده بود. وی در همین مصاحبه حزب توده ایران را «وابسته» نامیده بود.

۲. نامه «مردم» در تاریخ ۸ دیماه ۵۹، طی مقاله‌ای تحت عنوان «حفظ تشریفات حزب توده ایران بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است» در دفاع از حق قانونی خود و در رد اقتضای آقای ابوالقاسم صادق، از جمله نوشت: «در شرایطی که «اتقلابی» جمهوری اسلامی ایران در آستانه بقیه در صفحه ۲

در صفحات بعد

تلگرام جامعه روحانیت خوزستان به حضرت آیت‌الله منتظری:

کارگران و زحمتکشان ایران مدافعان پیگیر میهن انقلابی

کله‌مندی شما از کم‌تحرکی و بارکود جبهه‌ها منعکس کننده فریاد رزندگان این جبهه بود

صفحه ۴

دو نوع برخورد در برابر ابوتوطئه هفتم امپریالیسم آمریکا

۱- هشیارکن
«امکان حمله مستقیم نظامی آمریکا، مثل ماجرای طیس هست» (حجت‌الاسلام خامنه‌ای - نماز جمعه ۵ دی ۱۳۵۹)
دولت آمریکا علنی‌تر از هر موقع دیگری با جمهوری اسلامی ایران وارد جنگ میشود، زیر پوشش اینکه ایران میخواهد برای حل مسأله گروگانها باج بگیرد. (نخست‌وزیر - در حضور سفرای کشورهای خارجی - ۶ دیماه ۱۳۵۹)

۲- خواب‌کن
«بعضی از مستند نشینان که به گفته‌های امام ایمان ندارند، حیثاً به ترس از آمریکا دچار شده‌اند، بدین گمان باطل‌اند که آمریکا قادر است به ایران حمله نظامی کند... و این خیال باطلی است، زیرا آمریکا قادر به حمله نظامی به ایران نیست».

(میزان - ۱۳ دی ۱۳۵۹)

رنگهای خونهای مبارزین را زرد کرد

بیش از یکماه پیش، در تاریخ ۱۱ آذر ۵۹، رفیق فروغ‌الدین ابراهیمی از مسئولین حزب توده ایران و روح‌الله نظیری از هواداران حزب توده ایران، در اردبیل، به این علت که کاغذ سفید در اختیار دارند، لذا ممکن است ماشین فتوکپی هم داشته باشند (!) از سوی دامنرای انقلاب این شهرستان بازداشت شدند و متأسفانه هنوز پس از گذشت یکماه به این بهانه غیرمنطقی، در بازداشت بسر می‌برند. ما ضمن اعتراض مجدد به این عمل غیرقانونی، خواستار آزادی فوری این رفقا هستیم.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

... و خلق ...

بقیه از صفحه ۱

محکوم کردند و نیروهای راه، که در تار و پود زندگی حقیر امروز گرفتارند و بجای تلاش برای دستیابی به آینده پرشکوه و آزاده، با غرغریهای فرساینده و پوساننده در قبال دشواریهای انکارناپذیر، به انقلاب زیان می-رسانند و به دشمن کمک می-کنند، نصیحت کردند.

آری، امام خمینی درست می-گویند: دشواریها را نمی-توان انکار کرد، اما این دشواریها را دشمن اصلی، شیطان بزرگ- آمریکا بوجود آورده است، تا ما را از کوشش برای دستیابی به فردای روشن و پرشکوه و آزاده مایوس گرداند و به ذلت و خواری وابستگی و اسارت دیرروز، بازگرداند. بیشک شیطان بزرگ - آمریکا برای پیشبرد این هدف شوم خود، به فعالیت مزدوران خویش و نیز نیروهای متزلزل که از کوچکترین دشواریها به هراس می-افتند و کلابه و شکوه سر میدهند، بسیار امید بسته است. اما خلق انقلابی ما، میلیونها زحمتکش که انقلاب را روی شانه‌های خود بنا نهاده‌اند و تا بحال سخت‌ترین دشواریها را برای حفظ، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب متحمل شده‌اند، بیکاری، گرانی، فشار بیش از حد زندگی و گرسنگی، راه، به امید پیروزی، پذیرا گشته‌اند، در مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، خود و فرزندان خویش را

فدا کرده‌اند و بانیرویلایزال خود انقلاب را به پیش می-برند، یا پایداری و استقامت بیشتر رهنمود امام خمینی را پذیرا خواهند شد.

خلق انقلابی و زحمتکش ما، استقامت و پایداری خود را نشان داده‌است. آینده از آن اوست، اما برخی کسان در این راه دشوار از پای نشستند، به نفس نفس- زدن افتادند، به افتادن پنجم تردید و یاس و نارضایتی پرداختند و یا در تار و پودامفسون شیطان بزرگ - آمریکا گرفتار شدند. از این خیل و اخوردگان، آنان که منافع خویش را در گذشته می-جویند و تنها برای پیشبرد اهداف شیطان بزرگ - آمریکا استقامت می-ورزند، سرکارشان با قهر خلق است. اما بختی از اینان، که در پیروزی قطعی و نهائی انقلاب، و نه اعاده دوران پیشین، ذینفع‌اند، ولی دشواریها و توطئه‌ها آنها را خسته کرده و از گذشته تیره و پر اوبار غافل ساخته است، طعمه مناسبی برای دام ضدانقلابند، که با تمام قوا برای ساقط کردن انقلاب ایران می-کوشند.

بپوش یا بشیم! بدون تحمل دشواریها و بدون پیوندن راه- های سنگلاخ، دستیابی به استقلال و آزادی و ترقی ممکن نیست. توقف در میانه راه، گامتن از نیروی پیش‌رونده خلق و کمک به تلاش شیطان بزرگ - آمریکا برای بازگرداندن «نظم» پیشین است.

پایدار، یگانه و استوار باشیم. پیروزی از آن ماست!

سرمایه‌های بزرگ...

بقیه از صفحه ۱

در کارخانه، چه در موسسه و کارگاه، چه در محله و منطقه بفکر می‌افتادند که با تشکیل شرکتی تعاونی مصرف، اندکی در وضع خود در برابر گرانی، احتکار و غارت دستمزدها و حقوق‌های ثابت پیوسته ایجاد کنند، سرمایه بزرگ وابسته تجاری یا تمام قوا درصدد اضمحلال و ورشکستگی تعاونی‌ها برمی‌آید.

سرمایه بزرگ وابسته تجاری تنها به کارشکنی و جلوگیری از رشد تعاونی‌های مصرف، اکتفا نمی‌کند. اختلال در تشکیل و تقویت تعاونی‌های تهیه مواد اولیه مورد نیاز پیشه‌وران و اسناف و یا تعاونی-های خرید و فروش محصولات آنان نیز یکی دیگر از زمینه‌های وسیع خرابکاری سرمایه بزرگ وابسته تجاری علیه تعاونی‌ها بود. سرمایه بزرگ وابسته تجاری، بازار ایران را، به اصطلاح معروف، ملک‌مطلق خود محسوب می‌داشت و به همین جهت تیشه به ریشه تعاونی‌ها می‌زد، زیرا که بهر حال یا گرفتن آنها سبب می‌شد تاحدی به غارتگری این سرمایه خون‌آشام لطمه وارد آید.

سرمایه بزرگ تجاری و تعاونی‌های روستائی

زمینه دیگر فعالیت مخرب سرمایه بزرگ وابسته تجاری، جلوگیری از رشد تعاونی‌های مصرف، تهیه و تدارک کالاهای تولیدی مورد لزوم آنان و فروش محصولات دهقانان در شهرها بود. سرمایه بزرگ وابسته تجاری تا اعماق دهات را زمینه مناسب غارت و استثمار خود می‌دانست. به همین جهت در برابر تعاونی‌های مصرف، توزیع مواد ضروری بین روستائیان و فروش محصولات آنان از طریق شبکه تعاون در شهرها، با تمام قوا مخالفت می‌ورزید. در مخالفت با تعاونی‌های روستائی، سرمایه بزرگ وابسته تجاری گذشته از نیروی مخرب سرمایه، از مالکیت‌های صمد ارضی کمک می‌گرفت، که بخشی از آن در دست خودش متمرکز بود.

شیوه‌های مخالفت سرمایه بزرگ تجاری با تعاونیها

سرمایه بزرگ وابسته تجاری در فعالیت خرابکارانه خود علیه تعاونی‌ها، چه در شهر و چه در روستا، بدین طریق اقدام می‌کرد:

اول از طریق استفاده از دستگاه حاکمه بورژوا - ملاک و با استفاده از اهرهای سیاسی - دولتی، هر نوع امکان فعالیت را از شرکتی تعاونی سلب می‌کرد، این شرکتها را از استفاده از وام‌های دولتی، شرکت موثر در بازرگانی داخلی و خارجی، که بسود آنها بود، محروم نگاه می‌داشت، و بالاخره با وضع قوانین ضد تعاونیها، آنها را نسبت به سرمایه‌های خصوصی در موضع نا برابر قرار می‌داد.

دوم اینکه با وابسته کردن تعاونیها بخود، از لحاظ دریافت کالا و فروش جنس و انجام خدمات، مانع از تقویت بنیه مالی تعاونیها می‌گردید، تعاونی‌ها را ورشکست می‌ساخت و به اعتماد عمومی، دامن می‌زد. تعاونی‌ها می‌توانند از منافع اعضای خود، هم از مصرف کنندگان عادی و یا پیشه‌وران و اسناف جزء و دهقانان، دفاع کنند، ضربه شدید وارد می‌آورد.

سر نوشت تعاونی‌ها در ایران

نتیجه مجموعه فعالیت خرابکارانه سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری آن شد که، با اینکه نهضت تعاونی در اواخر قرن حاضر به کشور ما رسوخ کرده، معذالک تا هم‌اکنون نتوانسته پایبند سرمایه‌های تعاونی و قدرت اقتصادی آنها در جامعه طاغوتی، در مقایسه با قدرت سرمایه‌های بزرگ خصوصی وابسته، بقدری اندک بود که هیچ اثری نمی‌توانست در پیوسته زندگی جامعه داشته باشد. تلاشهای فوق‌العاده زیادی از جانب زحمتکشان شهر و روستا و توده عظیم مزد و حقوق‌بگیران برای دفاع از منافع مادی خود، در برابر هجوم غارتگرانه سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری بعمل آمد. لیکن حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیست‌ها بر کشور و سلطه مطلق و بلامنازع سرمایه بزرگ وابسته تجاری بر بازار ایران، مانع عمده و اساسی در راه توسعه جنبش تعاونی و مزایای آن در دفاع از منافع طبقات زحمتکش و اقشار متوسط جامعه بود.

انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی و اقتصادی تعاونی

با پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی و بویژه با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که در آن اقتصاد تعاونی رکن دوم اقتصاد ملی ایران شناخته شده و پس از رکن اقتصاد دولتی ارجحیت آن بر بخش خصوصی قانونی گردیده، و همچنین با توجه به اینکه ضمن تصویب اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، زمینه مساعد و مناسبی برای توسعه و تقویت تعاونیها فراهم گردیده، البته وضع با سابق، بسود تعاونیها، تغییر اساسی پیدا کرده است. اکنون جنبش تعاونی، در جهت تقویت بخش تعاونی اقتصاد ملی، می‌تواند از شکوفائی جالبی برخوردار گردد.

تعاونی‌ها و منافع زحمتکشان و اقشار میانی

میلیون‌ها زحمتکش شهر و روستا، از طریق تشکیل در تعاونیهای مصرف، اعتبار، مسکن، تهیه مواد اولیه و فروش کالاهای تولیدی می‌توانند نه تنها در بازرگانی داخلی، بلکه در بازرگانی خارجی نقش فائق ایفا کنند. ایجاد تعاونیها در همه سطوح می‌تواند از منافع زحمتکشان و طبقات و اقشار دستمزد و حقوق‌بگیر در برابر زیادطلبی

نامه «مردم» روز دوشنبه منتشر نمیشود

و آزمندی سرمایه‌داران بزرگ وابسته دفاع بعمل آورده، دامنه غارت سرمایه‌های وابسته تجاری را در شهر و روستا محدود کند، امر تدارک و توزیع کالاهای مصرفی را با قیمت‌های مناسب به‌نظم در آورد، مصرف‌کننده شهری را از شر واسطه‌های غارتگر نظیر سلفرخ و میدان‌دار نجات دهد و مصرف‌کننده روستائی را از غارت پیله‌ور و سرمایه‌های ربائی و تجاری طفیلی برهاند. تعاونی‌ها می‌توانند در تامین مسکن شهری یا محصولات کشاورزی و تامین مسکن روستاها یا محصولات صنعتی و در موارد مشخص صدور کالاهای داخلی، مانند قالی به‌خارج و واردات کالاهای ضروری از خارج در برابر صادرات سستی و نظائر آن نقش فوق‌العاده مهم ایفا کنند.

امکان رشد و توسعه تعاونی‌ها در جمهوری اسلامی ایران

در جمهوری اسلامی ایران با نقش عظیمی که قانون اساسی برای اقتصاد تعاونی در نظر گرفته و آن را دومین رکن اقتصاد ملی، پس از بخش دولتی، شناخته، امکانات عظیمی برای رشد و توسعه جنبش تعاونی و فراگیری آن فراهم آمده است. باید از همه این امکانات در جهت تامین منافع واقعی توده زحمتکشان در برابر تهاجم سرمایه‌خصوصی استفاده بعمل آورد و جنبش تعاونی را به‌سود پیروزی قطعی انقلاب از هر جهت تقویت کرد.

تعاونی‌ها و حیلۀ سرمایه بزرگ تجاری

در همین حال باید توجه داشت که جنبش تعاونی اصالت خود را بعنوان جنبشی که هدف آن غارتگری و یکه‌تازی سرمایه نیست، بلکه دفاع از منافع مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان خرده‌میل شهر و روستائی است، حفظ کند. در این مورد بویژه باید متوجه فعالیت سرمایه‌های غارتگر وابسته بود که، چون اکنون با نظام انقلابی جمهوری اسلامی ایران مواجه شده‌اند، به منظور حفظ موجودیت و ادامه غارتگری، حتی از آن ابا ندارند که خویش را زیر پوشش شرکت‌های تعاونی پنهان سازند. در این زمینه از تلاشهای عداوتی از بزرگترین تجار باید نام برد که در صورت اجرای اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی، می‌خواهند با تشکیل شرکتی تعاونی و زیرپوشش آنها، همچنان بازرگانی خارجی را در انحصار خود نگاه دارند.

حنای تجار بزرگ بی رنگ است

در برابر مخالفت سرمایه بزرگ وابسته تجاری با ملی کردن بازرگانی خارجی و حیلۀ جدید آنها برای حفظ مواضع خود، باید گفت که سابقه بیش از یک قرن تسلط سرمایه بزرگ وابسته تجاری بر بازرگانی خارجی معرف کامل آنست که چه بلاهای مهلکی نظیر عقب‌ماندگی رشد صنعتی و کشاورزی و وابستگی اقتصاد ایران به دول امپریالیستی بوسیله سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری بر کشور ما نازل شده است. پایان دادن به این بلاها ممکن نیست، مگر آنکه از سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری خلعید بعمل آید. و اصل ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا شود. خوشبختانه نمایندگان انقلابی مجلس شورای اسلامی به این واقیت وقوف کامل دارند و به‌مانوریت خطیر خود در تحقق هر چه زودتر اصل ملی کردن بازرگانی خارجی واقفند.

باید اصالت تعاونی‌ها با کمال قوا و دقت حفظ شود

اما در آنچه که مربوط به پنهان‌شدن سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری زیر پوشش شرکت تعاونی است، باید در این زمینه به ارگانهای دولت انقلاب، بویژه وزارت بازرگانی و وزارت کار هشدار داد که با تمام قوا از نفوذ سرمایه‌های بزرگ پدخال تعاونیها جلوگیری کنند و نظام تعاونی‌ها، چنانکه پایه و اساس آن مقرر می‌دارد، به بر مبنای سرمایه، بلکه بر پایه تعاون و برابری و همبستگی بنا گذارند. حفظ منافع زحمتکشان و طبقات و اقشار مزد و حقوق‌بگیر جامعه انقلابی ما تشکیل چنین تعاونی‌هایی را می‌طلبد و نه تعاونی‌هایی که سرمایه‌داران بزرگ در آنها جای گیرند و جنبش تعاونی را بسود منافع آزمندانۀ سرمایه‌داری وابسته و بزبان انقلاب تغییر ماهیت دهند.

رشد تعاونی‌ها مستلزم خلعید از سرمایه بزرگ وابسته تجاری است

سرمایه بزرگ وابسته تجاری، ضمن آنکه دشمن استقلال اقتصادی و سیاسی کشور، به معنی واقعی کلمه است، و اهرم عمده عقب‌ماندگی اقتصادی ایران در دو قرن گذشته بشمار می‌آید، هم چنین مانع اصلی در راه پیشرفت جنبش تحریک تعاونی است، که حافظ منافع زحمتکشان شهری و روستائی و طبقات و اقشار خرده‌میل میانه است. منافع انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما ایجاب می‌کند که از سرمایه بزرگ وابسته تجاری هر چه زودتر خلعید بعمل آید و اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و تکیه بر نظام تعاونی، که میلیونها زحمتکش و اقشار خرده‌میل و متوسط را در خود متشکل کند، هر چه زودتر به اجرا گذاشته شود.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!

۶- میدله آتش توپخانه بین تیرهای خودی و دشمن متجاوز در شوش و جسر نادری ادامه داشت ولی وضع جبهه‌های جنگی در اندیشک نسبت به روزهای قبل آرام بوده است. نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با موفقیت تعدادی از سنگرهای دشمن را در جاده آبادان- اهواز و آبادان- ماهشهر و همچنین خودرورهای دشمن در جنوب سوسنگرد را به میزان هشتاد درصد نابود کردند. همچنین منابع نفتی و تلمبه‌خانه جلفایه عراق را مورد حمله قرار داده و آنها را به آتش کشیدند.

۷- دیروز با آتش نیروهای جانباز اسلام بر مواضع مزدوران عراقی در منطقه سومار، چهار سنگر گروهی و تعدادی سنگر انفرادی دشمن نابود گردید و حدود ۲۵ نفر از افراد ارتش عراق کشته و زخمی شدند.

۹- درگیری در ارتفاعات شورشیرین، کانی‌سخت، کنجان- چم، ملک‌شاهی، سرنی و امیرآباد بین نیروهای خودی و دشمن ادامه داشته و چهارمأمندانهای خودی در محور کانی‌سخت موفق شدند یک قبضه تیربار ضد هوایی یک منبع آب، یک منبع سوخت و نه سنگر گروهی دشمن را منهدم و افراد آنها را به هلاکت رسانندند.

۱۰- مهاجمین مسلح روز گذشته (۱۲ دیماه) پاسکامیلیش راه میاوندآب را مورد حمله قرار دادند که بر اثر درگیری یکسره درجه‌دار مجروح و تعدادی از افراد مسلح غیرقانونی کشته و زخمی شدند. همچنین مهاجمین به یگان ارتشی مستقر در منطقه پیرانشهر حمله کردند و دوتن از سربازان را مجروح کردند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

انبار مهمات...

بقیه از صفحه ۱

همچنین در اثر آتش یگانهای رزمندۀ جمهوری اسلامی ایران به مواضع دشمن متجاوز در جاده آبادان- حارخوین دو انبار مهمات دشمن نابود شد.

۲- دیروز (۱۲ دیماه) علیرغم آنکه قطعی از شهر اهواز زیر آتش توپخانه دوزخ دشمن قرار گرفت و به تعدادی از منازل مسکونی خساراتی وارد آمد و یک نفر شهید و یک نفر مجروح شد، توپخانه جمهوری اسلامی ایران در این منطقه با اجرای آتش موثر توپخانه روی مواضع دشمن شش دستگاه تانک، پنج دستگاه لودر و بیلمکانیکی و پنج دستگاه خودرو دشمن را منهدم و حدود ۸۴ نفر از افراد متجاوز عراقی را کشته یا زخمی کردند.

۳- پرریروز (۱۱ و ۱۰ آذر ۵۹) تیرد بین تیرورهای رزمندۀ اسلام و دشمن کافر در اطراف رود کارون ادامه داشت و توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران مناطق کورت‌لرین و امام‌الرحمن را زیر آتش شدید خود گرفتند.

۴- دیروز (۱۲ و ۱۰ آذر ۵۹) توپخانه دشمن شهرستان دزفول را هدف قرار داد که چهار خانه مسکونی منهدم شد و ۲ نفر غیر نظامی مجروح گردیدند. در همین منطقه بر اثر تیراندازی نیروهای خودی یک دستگاه خودرو و مقدار زیاد از مهمات دشمن نابود شد.

۵- رزمندگان دلیر اسلام مواضع دشمن را در منطقه سوسنگرد زیر آتش گرفتند و تلفاتی به آنان وارد آوردند. در این جبهه بر اثر اصابت گلوله دشمن یک نفر از افراد بسیج مجروح شد.

بیانیه حزب کمونیست عراق

جنگ تجاوزکارانه‌ای که پانده دیکتاتوری علیه ایران همسایه برافروخته، داخل ماه سوم خود شده، بیانشده و حیثیتهای ادامه دارد و با قربانیا و ویرانی‌ها و آلام و مصائب روزافزونی برای مردم ما و مردمایران دوست همراه است.

بدینسان، این ماجراجویی جنایتکارانه به صورت یکجنگ دامنه‌دار و درازمدت درآمد سیرخلاف آرزوها و حسابهای برافروزدگان آن، که خواب نیل به یک پیروزی مسلوس و سریع را میدیدند تا انزوی کاملشان را تضعیف دهد، اعتبار رژیم متزلزلشان را بالا برد و خواهناتیکه راجع به زعامت و توسعه طلبی میدیدند، تحقق یخشد.

در نتیجه این درگرونی، این جنگ شکل یکجنگ فرسایشی تمام با خسارات وحشتناک جانی و مالی و جنگ افزاری بخود گرفت و

انگیزه‌های واقعی این ماجراجویی جنایتکارانه آگاه بودند و بهین جهت به محکوم کردن آن و ایراز تفر نسبت به آن مبادرت ورزیدند و تقلب بودن ادعاها و شمارهای راه، که این رژیم جهت تیره و توجیه جنگ ابراز می‌داشت، افتنا و رسوا کردند، ادعاها رژیم مبنی بر کوشش برای استقرار مجدد سیادت و حاکمیت ملی بر اراضی عراق

و آبهای آن نیز یاشک و تردید مشروع مواجه شد. این جنگ جنایتکارانه، از لحاظ مقدمات و تعیین وقت آن هدفهای مقتضانه‌اش تا کید میکند که دست زدن به این ماجراجویی خونین چیزی نیست جز حاصل منطقی و ادامه طبیعی مجموعه خدمتی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ملیتاتی این گروه فاشیست مستبد، ایدئولوژی نژادپرستی و شوونیستی آن، هینستی و ارتباطهای مشکوک آن با ارتجاع عرب و دوایر امپریالیستی و آژندبهای یسورژوآزی طفیلی آن، و این همانست که بیانیه حزب ما مورخ ۲۴ ر ۱۹۸۰ (۲۷ ر ۱۳۵۹) که در روز بعد از افروختن جنگ

به صورت یکجنگ دراز مدت، و نه برق آسا، درآمد. پانده ماجراجویباروش تجاوزکارانه و توسعه طلبانه، با شروط زورگویانه و منویات اعلان شده دایر به ازین بردن انقلاب ایران و تجزیه آن و ضمیمه کردن بخشهای از ایران به عراق، راه بازگشت به سوی حسل مسالمت آمیز اختلاف را قطع کرد.

بدین ترتیب، بعلم تحول جنگ - که صدام حسین و پانده تروریستی او برافروختند به جنگی که احتمالا یک مدت طولانی ادامه خواهد داشت، و به سبب اصرار تجاوزگر بر ادامه جنگ و تحمیل شروط خود بوسیله زور و

قدرت، وضع فوق العاده بفرنج و خطرناکی بوجود آمده است.

ولی آن تایین که احلام و آرزو- های طغوت و پانده او را بر یاد داده و عظمت خساراتیکه رژیم منفردشده آنها دارد پشتش در زیر سنگینی بار آن خم میشود آنها را به توسل جستن به واسطهها و دوندگی برای آتش بس مجبور ساخته است.

مردم در کشورما و درجهان، و آنهاست که جریان جنگ را تقیب کرده اند، متوجه شده اند که دوندگی افروخته این جنگ و پانده او جهت آتش بس، فقط نتیجه خوبی است که بر آنها غلبه کرده، نتیجه آن عواقب

صادر شده، بر آن تکیه کرده است. و اینک جریانات جنگ در خلال دو ماه گذشته تا کید میکند که این جنگ بخاطر آن برپا شده، تا در مسیر هدفهای تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا قرار گیرد و به نقشه‌های آن در منطقه، از جمله ازین بردن انقلاب ایران و تلاش جهت سرنگونی نظام دشمن با امپریالیسم در ایران خدمت کند، این جنگ بر جنایت و تجاوز نظامی آمریکائی شکست خورده در آوریل گذشته، برده کشیده، این جنگ دستاویز و بهانه اضافی به امپریالیسم آمریکا و همیمانان او یخشیده، تا نیروهای نظامی بیشتری را در خلیج و دریای عرب متمرکز کنند، تسلیات و پایگاههای نظامی در چند

جنگ تجاوزکارانه رژیم دیکتاتوری عراق علیه ایران مورد حمایت امپریالیسم اسرائیلی و رژیمهای مرتجع و دست نشانده منطقه است.

کشور منطقه بدست آورند و مانورهای نظامی در دریای عمان و در نزدیکیهای سواحل ایران، بعنوان حفظ منافع حیاتی امپریالیسم آمریکا در خلیج و تامین صدور نفت از گذرگاه تنگه هرمز، اجرا کنند. به بهانه جلوگیری از سرایت جنگ عراق و ایران به دیگر دولتهای تولیدکننده نفت در خلیج، ایالات متحده و همیمانان ناتوی آن امکان یافتند که تجمع ناوهای جنگی مجهز به سلاحهای اتمی و ناوهای هواپیمایی، که شماره آنها بالغ بر (۶۰) فروداست و بر فراز آنها بیش از ۲۰

و خیمی است که، در صورت ادامه جنگ، رژیم استبدادیشان را تهدید میکند. همانطور که ظاهر موزرانه این تروریست به مصالحه با ایران، جز یک تریاکاری مقتضانه نبود که میخواست بوسیله آن، خشم و نفرت توده‌ها و نیروهای مسلح راه، پس از آنهمه فجاجه قربانیها و ویرانیهای فراوانی که ذرات ماجرا - جوئیهای خونین او بر کشور وارد آمده است، تسکین دهد. توده‌های محروم ما در عراق و کلیه نیروهای میهن دوست در وطن عربی، از

هزار تن سرباز و بیش از ۳۰۰ هواپیما قرار دارند، توجیه کنند، این جنگ فرصتی برای ایالات متحده فراهم آورد، تا به بهانه مقتضح حمایت فضای عربستان سعودی و مناطق نفتخیز از هجوم ناگهانی، هواپیماهای «آراکر» به عربستان سعودی بفرستد. همچنین امپریالیسم آمریکا، از فرصت استفاده کرد، تا حمایت موهوم خود را به دیگر کشورهای خلیج پیشنهاد کند و حضور نظامی خود را در عمان و سومالی و بحرین و کشورهای از این قبیل تقویت نماید.

بسیب جنگ عراق و ایران، توجه از توطئه کمپدیوید منحرف گردید و واشنگتن و تل آویو و قاهره این فرصت را مفتقم شمردند، تا در راه تقویت پایگاههای نظامی و نقشه‌های جنگی - که اخیرا شکل عملیات تمرینی برای نیروهای مواکشی سریع آمریکا در اراضی مصر را بخود گرفتند و گذاردن پایگاهها و بناذرو فرودگاههای نظامی مصر در اختیار نیروهای آمریکائی و تمرکز نیروهای نظامی در مرز لیبی و اعلان سادات خائن دایر به آمادگی خود جهت عمل مشترک با نیروهای آمریکائی، برای مداخله در کشورهای خلیج و تحریک برای اشغال نظامی آنها، گامهایی برداشته شود.

اسرائیل نیز به نوبت خود از این فرصت بهره برداری کرد و عزم خود را مبنی بر انضمام ارتفاعات جولان سوریه به خود اعلام داشت، تجارزات خود به لبنان و عملیات قلع و قمع علیه مردم عرب در ساحل یاختری و نوار غزه را تسدید کرد و با تلاش برای جلب توجه انظار جهانیان به سوی میدان جنگ عراق و ایران، کوشش برای تبرئه خود از تجاوز و از مسئولیت تشنج در منطقه را آغاز کرد.

این جنگ به ارتجاع عرب فرصت داد تا به جنبه پایداری تعرض کند، مبارزه خلقهای عرب علیه توطئه کمپ دیوید را تضعیف نماید و برای خنثی کردن مقررات کنکره رباط تلاش ورزد و رژیم دست نشانده اردن را به عنوان نماینده خلق عرب فلسطین، به جای نماینده قانونی و یگانه آن - سازمان آزادیبخش فلسطین - معرفی کند.

بدین ترتیب، پانده حاکم (برعراق) با ماجراجویی خود در برپا کردن جنگ علیه ایران، خدمت آشکاری به نیروهای امپریالیستی و تجاوزگران صهیونیستی و ارتجاع عرب کرد. پس کدام منافع میهنی یا قومی را میتوان بعنوان دستاویز برای برپا کردن این جنگ چارزه و چگونه برای احدی ممکن است که ادعاها این پانده در مخالفت موهوم با نقشه‌های امپریالیستی و تمرکز نیروهای آن، مخالفت با میمان کمپ دیوید و تجارزات اسرائیل و رژیمهای دست نشانده و ارتجاعی در وطن عربی را باور کند؟

حوادثی که در انتهای تدارکات برای این جنگ و همزمان با آن رخ داده، مواضع واقعی گروه حاکم در بغداد را آشکارا افشا کرد. این تدارکات مقرون بود با انعقاد قرارداد با رژیمهای دست نشانده و ارتجاعی در اردن و عربستان سعودی و عمان و سومالی و دیگر کشورهای خلیج. این جنگ در هاکنگی تام و تمام با مواضع خصمانه این دولتها علیه انقلاب ایران و اقدامات مهاکنک آنها با امپریالیسم و تمرکز نیروهای نظامی و نقشه‌های دشمنانه آن

برای توطئه کمپ دیوید و تجارزات امپریالیسم و صهیونیسم علیه خلقهای عرب و تسلط امپریالیسم آمریکا بر منطقه. بدینسان پانده حاکم در بغداد راضی شد که بوسیله و آلتی در دست امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی و دست نشانده در منطقه بدل شود آشکارا از تمهیدات ادعائی خود مبنی بر دفاع از حقوق خلق عرب فلسطین، مبارزه علیه تجاوزگران صهیونیست و شرکت در مبارزه آزادیبخش ملی علیه امپریالیسم

برای توطئه کمپ دیوید و تجارزات امپریالیسم و صهیونیسم علیه خلقهای عرب و تسلط امپریالیسم آمریکا بر منطقه. بدینسان پانده حاکم در بغداد راضی شد که بوسیله و آلتی در دست امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی و دست نشانده در منطقه بدل شود آشکارا از تمهیدات ادعائی خود مبنی بر دفاع از حقوق خلق عرب فلسطین، مبارزه علیه تجاوزگران صهیونیست و شرکت در مبارزه آزادیبخش ملی علیه امپریالیسم

و نقشه‌های تجاوزگرانه آن، شانه خالی کرد. پانده حاکم در بغداد يك کاتون جدید تشنج را در منطقه بوجود آورد و تمهیدات خود را بعنوان یکی از دولتهای غیرتمهد با خضوت نقش کرد و عدم شایستگی خود را برای مهندسازی کفرانس سران آن در بغداد آشکار ساخت.

ادعاهای صدام حسین دایر به اینکه قصد جنگ با ایران را نداشت، در حقیقت یک دروغ مقتضحانه است. واضح است که تدارک برای این ماجراجویی، از هنگام ترزل تخت شاه و اوج گرفتن موج انقلاب ایران، جریسان داشت، بطوریکه عناصر مرتد از بقایای رژیم شاه، از قبیل ژنرالها و قنودالها، پناه داده شدند و مداخله در امور داخلی

انقلاب ایران برای پانده دیکتاتوری حاکم در بغداد کابوس است.

ایران و راندن دهها هزار نفر از هم - میهنان عراقی به ایران، به بیانه اینکه ایرانی الاصل هستند، انجام گرفت. و بالاخره اعتراضهای خوددیرپاکننده جنگ و نطقها و تدارکات قبلی سیاسی و روانی برای این جنگ و اوج دادن موج خصومت دیوانه وار نسبت به انقلاب ایران در دستکاهای تبلیغاتی رسمی، همه اینها کذب ادعای عدم رغبت به افروختن جنگ را افشا میکند.

این جنگ همچنین یک انگیزه مهم از انگیزه‌های متمدد برای افروختن آنرا اقتضاء میکند که عبارتست از خوف و وحشتی که پانده دیکتاتوری و شرکای آنرا در عربستان سعودی و خلیج و غیره در اثر انقلاب ایران فرا گرفته بوده

زیرا یک خلق بی سلاح، در یک پیکار قهرمانانه، خروشیده، تا پایه‌های رژیم شاهنشاهی مسلح به تمام معنی کلمه و دستکاهای قلع و قمع و حیثیته‌اش را درهم گوید و تخت طاوت را بدوراندازد. کابوس انقلاب خلقی ایران، پانده دیکتاتوری را برای نجات از سرنوشته نظیر برانگیخت و او را با شدت برای ماجراجویی و جنگ، به امید زنده بگردد کردن انقلاب ایران و ازین بردن نمونه توده‌ای آن و خاموش کردن تاثیر انقلابی آن در توده‌های خلق، کشاند.

در مرحله‌ای بعد از پیروزی انقلاب خلقی در ایران، بروز برخی پدیده‌های منفی، رژیم دیکتاتوری و رهبری آنرا فریفت، تا به امید پیروزی برق آسا، دست

به جنگ بزنند. بویژه که رژیم از روی برخی پدیده‌های منفی و اختلافات داخلی و موضعگیریهای زیانمند نسبت به نیروهای چپ و حقوق خلقهای غیر - فارس در ایران و همچنین موضعگیری غلط نسبت به کشورهای سوسیالیستی چنین می‌پنداشت که انقلاب ایران یک شکار سهل و ساده خواهد بود. ولی پانده حاکم، که امور را با میازهای بویژه خود می‌سنجید، توانست یک حقیقت آشکار را درک کند، و آن عبارتست از اینکه،

به جنگ بزنند. بویژه که رژیم از روی برخی پدیده‌های منفی و اختلافات داخلی و موضعگیریهای زیانمند نسبت به نیروهای چپ و حقوق خلقهای غیر - فارس در ایران و همچنین موضعگیری غلط نسبت به کشورهای سوسیالیستی چنین می‌پنداشت که انقلاب ایران یک شکار سهل و ساده خواهد بود. ولی پانده حاکم، که امور را با میازهای بویژه خود می‌سنجید، توانست یک حقیقت آشکار را درک کند، و آن عبارتست از اینکه،

کارگران و زحمتکشان ایران مدافعان پیگیر میهن انقلابی

کارگاه خوب بری رحیم صدیقی نزدیک بیل محمدحسن خان بابل واقع است. تولید اصلی این کارگاه "جعبه" است که برای بسته بندی میوه مورد استفاده قرار میگیرد.

در این کارگاه کارگران و بیرونی یک کارگروه خوب بری-مردی که در میان توده های خوب سرگردان است، دیده می شود. صاحب کارگاه آقای رحیم صدیقی، مرد میان سالی است که مشغول تیز کردن لوله بلند و گردی استلباس از خاکاره به زردی گراعیده، از چهره اش پیداست که انسان زحمتکشی است و به سئوالان زحمتکاره جنگ تحمیلی رژیم صدام و بالابردن تولید اینگونه یا سخ داد:

"ما میتوانیم باید این بعمیها را تا بود کنیم و از میهن خود بیرون کنیم. آنها کودکان معصوم ما را در مدارس بمباران میکنند، باید آنها را در هم بکوبیم. از همین کارگاه یک نفر از کارگران ما، که منقذ خدمت ۵۶ بود، به جبهه جنگ رفته. اگر ما اجازه بدهند، صدام خائن را بر این ارضها قطع، قطع می کنیم. در باره بالارفتن تولید، رحیم صدیقی گفت: "ما میخواهیم و باید تولید"

دولت هم باید وسایل مورد نیاز ما را ارزان تر بکند. ما هم تولید را افزایش خواهیم داد. حالا ما ۷ ساعت در روز کار می کنیم، ولی آن موقع بیشتر و حتی جمعه ها را هم کار خواهیم کرد."

نمی خیریم. محمدعلی محمدی، کارگر ساده، خوب بری رحیم صدیقی است و حدود ۲۲ سال دارد. او یک کدو ورتاست و به علت اینکه الان وقت کشت و ورزی نیست در این کارگاه مشغول بکار گردیده. او در باره جنگ تجاوری رژیم صدام علیه ایران و بالابردن تولید چنین گفت:

یک مادر پیر، جمعا ۲۵۰۰ متر زمین داریم، الان برادرم بیکار است و من اینجا کار می کنم، چون الان زمستان است و فصل کشت و ورزی نیست، ما باید بیشتر تولید کنیم و به دولت کمک کنیم که عراق را شکست دهد. ما باید کار را زودتر بکنیم، برای بالابردن تولید من حاضرم حتی روزهای جمعه را هم کار بکنم.

محمدعلی محمدی درباره وضع کار و مقدار حقوق و ساعات کارش گفت: "ما روزانه ۷ ساعت کار می کنیم و بعضی وقتها که برق نیست ساعاتی را کمتر است. روزانه ۴۲۰ ریال حقوق می گیریم. میدانید که الان زمان جنگ است و سرمایه دارها از این موقعیت سوءاستفاده می کنند و کالاهای را احتکار می کنند و ما میزنند. با این وضع کار نمی توانیم زندگی خود را بچرخانیم. در باره کوبنی شدن بعضی از کارگاهها مانند قند و شکر گفت: "خیلی خوب شده، مخصوصا برای ما کارگرها. قیمتها پایین آمده و همه جا یکی است. دولت باید کوشش و برنج و میوه را از خاک میهن خود بیرون کنیم. محمدعلی محمدی درباره تولید بیشتر گفت: "ما دوبرابر هستیم با"

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با سلاح، از میهن انقلابی دفاع کنید!

توضیح درباره نامه «تکذیب» شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی

مورد از طرف خبرنگار نامه مردم صورت گرفت، برای روشن شدن اذهان عمومی لازم شد، نکاتی را به اطلاع برسانیم: در زیرآب دو درمانگاه وجود دارد: یکی دولتی است و دیگری بنام "مرکز درمانی و بهداشتی واحد ذغال البرز مرکزی" که متعلق به شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی است و در مجاورت معادن ذغال سنگ قرار دارد. این درمانگاه، که در "آزاد شهر" حدود

مشکلات درمانگاه ذکر شده بود. در واقع بیماران هنگام شب حقیقتاً بیخوابند و اگر هم مریض می شدند، باید آن قدر تحمل می کردند، تا به وسیله ماشین شخصی به درمانگاه انتقال یابند. در این باره، تکذیب نامه ای از جانب شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی به تاریخ ۵۹/۸/۳ دریافت کردیم، که عین آن در نامه مردم به چاپ رسید. طبق تحقیقات تجدیدی که در این

در نامه "مردم"، شماره ۳۵۵، مورخ ۲۵ مرداد ۵۹، خبری تحت عنوان "وضع نابسامان درمانگاه زیرآب" درج شده بود. در این خبر مشکلات و کمبودهایی را بر شمرده بودیم که از جمله عبارت بودند از: کمبود پزشک در این درمانگاه، نبودن پزشک نداشتن تنه ای دکتر عیاضی، پزشک درمانگاه دولتی زیرآب، یکی دو ساعت در روز به یوزبیت بیماران می پرداخت. پزشک بیمار درمانگاه، هم وظیفه داروخانه چی را بر عهده داشت و هم وظیفه ویزیت بیماران را در موقع نبودن پزشک. نبودن تلفن و آمبولانس از دیگر

کارگران کارخانه گچ و آهک قم نیز آمریکا اسباب تجاوز صدام می دانند



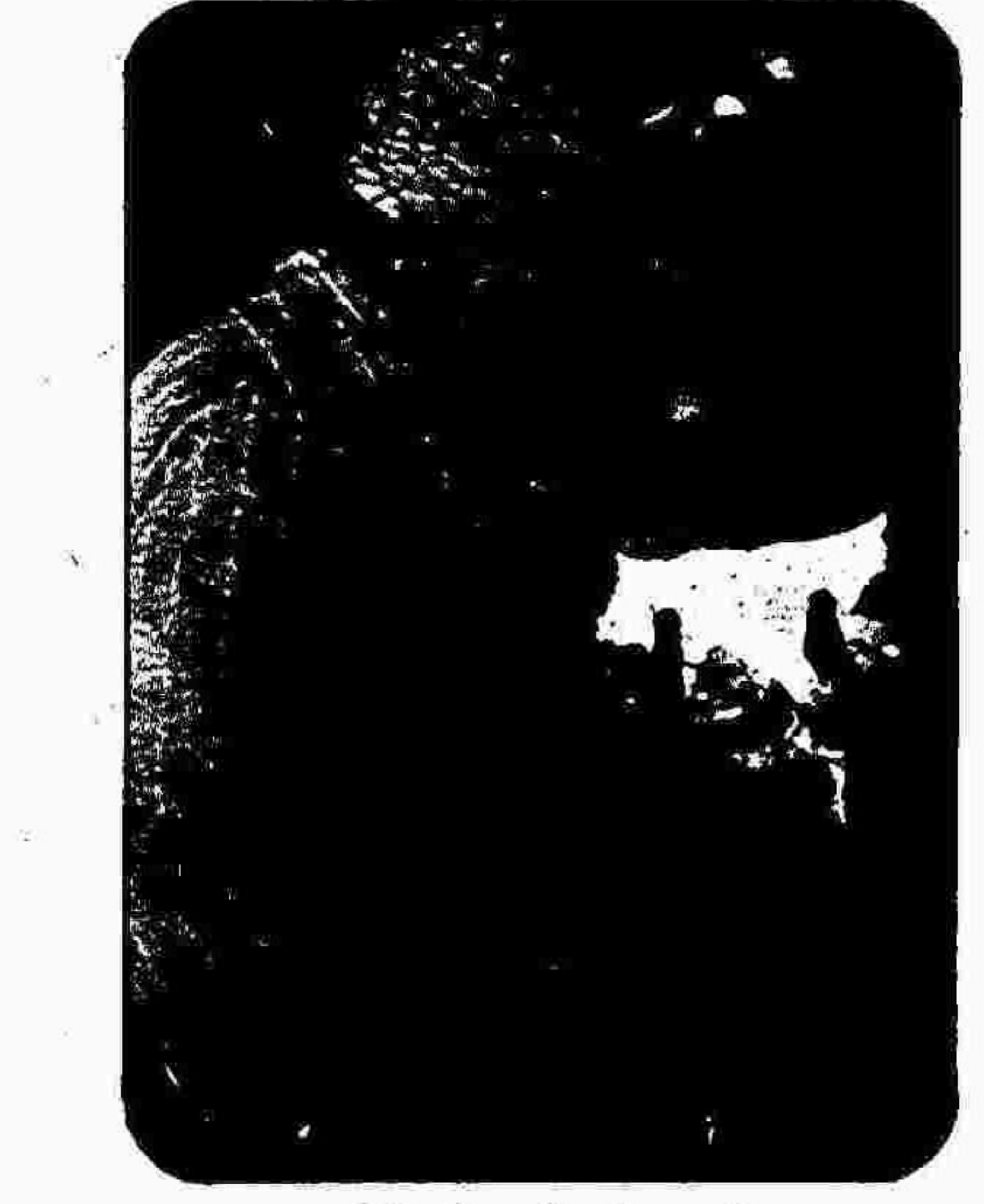
اگر به رهبری امام خمینی متجدد باشیم، همیشه پیروزیم.

خواستهای حقه خود، استفاده از حربه های چون اعتصاب را مقید بحال انقلاب نمی دانند. پس بر مسئولان امر است که خواستهای قانونی کارگران را، که اهم آنها عبارتند از: استفاده از بیمه های اجتماعی، برخورداری از ایمنی محیط کار، نظارت بر دستمزد را بیش از این به عهده تعویق نیندازند. زیرا تعویق انقلاب، بویژه در این برهه حساس نبرد حق و باطل، تنها در سایه پیوسته شرایط زیست زحمتکشان بخصوص طبقه کارگر ایران ممکن است.

در بین کارگران این کارگاهها امراضی چون سل، تراسم، تنگی نفس، امراض پوستی، سنگ کلیه و... شیوع دارد. کارگاههای گچ قم، که در بیشتر آنها کوره های آهک پزی هم قرار دارد، بصورت واحد های بهم فشرده ای حول معادن سنگ قرار دارند. با آنکه در آمدان واحدها بسیار سرشار است، اما متأسفانه در شرایط کار و میزان دستمزد و ساعت کار کارگران این واحدها، نسبت به قبل از انقلاب تغییر عمده ای پدید نیامده است. دستمزد کارگران در محیطی فاقد لباس کار، ماسک، هواکش و حمام، در ازای دهالی چهارده ساعت کار، تنها حدود یکصد و بیست تومان است. بیشتر کارگران این واحدها معمولاً از روستاهای آذربایجان و همدان هستند و برای اندوختن اندک ذخیره مالی، حتی در روزهای تعطیل هم مجبورند کار کنند. در هر کارگاه حدود بیست نفر کارگر کار می کنند که حدود دوازده نفر در قسمت کوره های گچ، چهار نفر در کوره های آهک و چهار نفر دیگر در قسمت های دیگر سرگرم کارند. از کارگران در قسمت "دمش کوره ها"، کنترل و پرو خالی کردن کوره ها، حمل گچ و آهک و غیره استفاده می شود. ضمن گفتگویی با کارگران کارگاههای گچ و آهک قم، کارگران آمادگی خود را برای مقابله با تجاوزگران صدامی اعلام کردند. آنها آمریکا را مسبب اصلی تجاوز رژیم صدام به خاک میهن ما می دانند. برای نمونه نظر سزنان را در زیر ذکر می کنیم:

"آمریکا صدام را جلو انداخته است و اگر نه بدون کمک آمریکا، صدام جرات چنین کاری را نداشت."
"این جنگ را آمریکا بوجود آورده است."
"آمریکا صدام را به جنگ با ما وادار کرده است. در صورتیکه ما، تحت رهبری امام خمینی با متحد باشیم، ختم پیروز می شویم. این را من مطمئن هستم."
کارگران در شرایط کنونی جهت رسیدن به

برای اثبات عادلانه بودن جنگ ایران علیه تجاوز دار و دسته صدام تکلیفی، چه شاعری معتبر تر از این که زحمتکشان ایران و بطور عمده طبقه کارگر ایران، در عین شرایط غیر انسانی کار و نبرد در خور انقلاب عظیم مردم ایران - تا پای جان در راه دفاع از دستاوردهای انقلاب ایستاده اند. از جمله شهیدان این مدعا، کارگران کوره ها و معادن گچ و آهک قم هستند که بنا چهره موی سیید از غبار گچ و آهک، به کاری طاقت فرسا اشتغال دارند.



برای پاسداری از انقلاب، کار و جنگ فرقی ندارند.

غفور حسینی زاده نوری (بین زیرآب و فیروز - کوه) قرار گرفته است، از امکانات خوبی برخوردار است و نام آن "مرکز درمانی و بهداشتی آزاد شهر" است. بنابراین در منطقه زیرآب، شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی ۲ درمانگاه دارد. گزارشی که در نامه مردم، شماره ۳۵۵، درج شده بود، از "مرکز درمانی و بهداشتی واحد ذغال البرز مرکزی" که متعلق به شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی است و در مجاورت معادن ذغال سنگ قرار دارد. این درمانگاه، که در "آزاد شهر" حدود ۶ کیلومتر از معادن ذغال سنگ قرار گرفته است، در واقع یک مرکز درمانی و بهداشتی واحد ذغال البرز مرکزی است. در این باره، تکذیب نامه ای از جانب شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی به تاریخ ۵۹/۸/۳ دریافت کردیم، که عین آن در نامه مردم به چاپ رسید. طبق تحقیقات تجدیدی که در این مورد از طرف خبرنگار نامه مردم صورت گرفت، برای روشن شدن اذهان عمومی لازم شد، نکاتی را به اطلاع برسانیم: در زیرآب دو درمانگاه وجود دارد: یکی دولتی است و دیگری بنام "مرکز درمانی و بهداشتی واحد ذغال البرز مرکزی" که متعلق به شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی است و در مجاورت معادن ذغال سنگ قرار دارد. این درمانگاه، که در "آزاد شهر" حدود ۶ کیلومتر از معادن ذغال سنگ قرار گرفته است، در واقع یک مرکز درمانی و بهداشتی واحد ذغال البرز مرکزی است. در این باره، تکذیب نامه ای از جانب شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی به تاریخ ۵۹/۸/۳ دریافت کردیم، که عین آن در نامه مردم به چاپ رسید. طبق تحقیقات تجدیدی که در این مورد از طرف خبرنگار نامه مردم صورت گرفت، برای روشن شدن اذهان عمومی لازم شد، نکاتی را به اطلاع برسانیم: در زیرآب دو درمانگاه وجود دارد: یکی دولتی است و دیگری بنام "مرکز درمانی و بهداشتی واحد ذغال البرز مرکزی" که متعلق به شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی است و در مجاورت معادن ذغال سنگ قرار دارد. این درمانگاه، که در "آزاد شهر" حدود ۶ کیلومتر از معادن ذغال سنگ قرار گرفته است، در واقع یک مرکز درمانی و بهداشتی واحد ذغال البرز مرکزی است.

مبارزات روستائیان برای نابودی ایادی آمریکاست با اجرای فوری قانون اصلاحات ارضی آنان رایاری کنید!

«فتودال نابود است، دهقان پیروز است» - «مرگ بر زمین دار، مرگ بر آمریکا»

اینها از جمله انبوه شعارهایی بودند که بویژه پس از پیروزی انقلاب، در قضا روستاهای کشورمان طنین افکن شد. روستائیان زحمتکش میهنمان، که به همراه سایر زحمتکشان، زندان آهنین رژیم خائن و وابسته به آمریکای خونخوار را ویران کرده بودند، مصمم شدند که ریشه بزرگ مالکان را نیز بخشکانند، در سرزمین انقلابی خود صاحب زمینهایی بشوند که سالیان سال آنها را برای این انگلها کشت کرده بودند بولی خود در فقر و فلاکت بسر میبردند.

دهقانان زحمتکش مبارزات خود را به یاری نهادهای انقلابی، چون جهادسازندگی و سپاه پاسداران و دیگر نهادهای انقلابی، گسترش دادند. لیکن زمینداران بزرگ و ایادی آنها و نیز لیبرالها، که از اوجگیری این مبارزات به وحشت افتاد میبودند، در برابر حرکت آنان سدها و موانعی را قرار می دادند. آنها در واقع در برابر انقلاب و استحکام جمهوری اسلامی ایران مانع می تراشیدند و می خواستند آنرا تضعیف کنند.

روستائیان محقق، زمینداران بزرگ را مزدوران آمریکا می دانند. جنبش انقلابی روستائیان، بویژه پس از اعلام طرح انقلابی اصلاحات ارضی توسط شورای انقلاب، اوج بیشتری یافت. به کمک نهادهای انقلابی و مسئولان متعهد، روستائیان در برخی از مناطق به بعضی از خواستهای خود رسیدند، لیکن خواست اصلی آنان، یعنی واگذاری اراضی، در برخی نقاط دیگر هنوز برآورده نشده است، زیرا که بزرگ مالکان، به قول ستاد واگذاری زمین، ایجاد مشکلات و تضییقات میکنند.

روستائیان بی زمین و کم زمین هم اکنون آمادگی کامل دارند، تا با همت و حمایت نهادهای انقلابی و هیئت های هفت نفری، تکلیف خود را با زمینداران بزرگ بیکسر کنند و صاحب زمینهای این گردند که این زمینداران غارتگر آنها را غصب کرده اند. در برابر اعمال فشار و اقدامات ضد انقلابی بزرگ مالکان، باید نیروی

عظیم انقلابی دهقانان زحمتکش را به حرکت درآورد و بسیج کرد و وارد میدان مقابله با اربابان نمود. نگاهی به مبارزات دهقانان تعداد از روستاهای تابعه، بجنورد، واقع در استان خراسان، نشانی از این آمادگی است:

روستای غلامان، واقع در بخش غلامان، از توابع شهرستان بجنورد خراسان است. در این روستا ۴۰۰۰ نفر (چهار هزار) ساکن هستند. دهقانان بی زمین و کم زمین این روستا و نیز دهقانان خرده پها، در تمام طول زمستان گذشته، برای تصویب طرح انقلابی اصلاحات ارضی به دفات دست به راهپیمایی زدند. خواست اصلی این دهقانان اجرای صحیح و دقیق اصلاحات ارضی بمسود آنان بود. در این راهپیمایی ها دهقانان شعارهایی که حاکی از نفرت آنان از آمریکا و بزرگ مالک بود، از قبیل: «ارباب نابود است، دهقان پیروز است»، «داعه داشه کزمرز (کوه وصحرا را می گردیم)» و «آمریکا از رزم (آمریکا را نابود می کنیم)» و «هامی کزگ بیا اولسون، آمریکا نابودالسون» می دادند. خواست های دیگر این دهقانان زحمتکش، تامین امکانات و وسایل کار از قبیل کود و بذر و تراکتور و نیز امکانات بهداشتی و درمانی است.

روستای محمد آباد یکی از روستاهای دهستان شوقان، واقع در بخش جاجرم است و ۳۰۰ نفر سکنه دارد. دهقانان تهی دست، یعنی زحمتکش ترین و محروم ترین مردم این روستا، بارها علیه غارتگران و توطئه گران روستا، یعنی بزرگ مالکان دست به اعتراضات دسته جمعی زدند. این روستائیان به دفعات شکایت نامه های دسته جمعی برای مقامات مسئول ارسال داشته اند. این اعتراضات هنوز ادامه دارد. خواست اصلی این روستائیان زحمتکش اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی بمسود آنان است. در تمام راهپیمایی های روستائیان زحمتکش روستای محمد آباد، همواره شعارهای «درود بر خمینی» و «مرگ بر فتودال» و «برای کسی نیست جز حاصل کارش» طنین افکن بود. روستای قزلو یکی از روستاهای بخش مانه و سملقان، واقع در شهرستان بجنورد خراسان است. در این روستا

۲۰۰ نفر زندگی می کنند. متأسفانه از آبان سال گذشته تا کنون، دوبار میان روستائیان این روستا و اهالی روستای اینچه علیا، بر سر زمین هایی که در محدوده دو روستا است، برخورد ایجاد شده است، زیرا تعیین تکلیف به عمل نیامده و اهالی این دو روستا ادعای مالکیت اراضی مذکور را دارند. انگشت اربابان و سودجویان در تشدید این اختلاف دیده می شود. لازم است هرچه زودتر و به منظور جلوگیری از سوء استفاده ضد انقلاب از این اختلافات تکلیف اراضی مذکور معلوم شود و با توجه به وضع اراضی و اوضاع محل، قانون اصلاحات ارضی به اجرا آید. این عمل موجب تقویت پشت جبهه خواهد شد و زمینه را برای محیط تفاهم و همکاری برادروار و در نتیجه رشد تولید زراعی، که این همه کشور ما به آن نیاز دارد، فراهم خواهد ساخت.

روستای اینچه سفلی، در بخش مانه، ۳۰۰۰ نفر جمعیت دارد کلبه روستائیان روستای اینچه سفلی، از آبان ۵۸ چندین بار به اقدامات جمعی و ارسال شکایت نامه اقدام کرده اند. این روستائیان خواستار اجرای قانون اصلاحات ارضی هستند. این روستائیان حتی یکبار با بنیاد مستضعفان بر سر تحقق خواستشان به توافق رسیدند.

هر قدر زودتر مسئله زمین حل شود، دهقانان زودتر و بهتر میتوانند به مسئله تولید کشاورزی بپردازند و در جهاد کشاورزی فرموده امام فعالتر



شرکت کنند. روستای اینچه علیا، در بخش مانه، ۲۰۰۰ نفر جمعیت دارد. روستائیان بی زمین و کم زمین روستای اینچه علیا مصرا نه دست به اقدام جمعی زدند تا به اراضی مرزوه ای که بوسیله خانواده متغور بپهلوی غصب شده بود، رسیدگی شود و پس از رسیدگی به صورت تعاونی به زیر کشت رود این دهقانان هم اکنون نیز در کنار سایر برادران و خواهران روستائی آماده اند تا توطئه جدید بزرگ مالکان را خنثی کنند.

روستای گلستان، یکی از روستاهای بخش مانه و سملقان در شهرستان بجنورد استان خراسان، ۶۰۰ نفر سکنه دارد. دهقانان تهی دست روستای گلستان در تظاهرات و اقدامات خود خواستار رسیدگی به وضع اراضی بزرگ مالکان بودند. سال گذشته در ماه های زمستان و محاطر مقابله با زمینداران بزرگ و واگذاری زمین به دهقانان، این مبارزه اوج گرفت و به نتیجه رسید. آنان به هنگام اعتراض جمعی شعار می دادند: «به گفته خمینی، دهقان زمین دار باید گردد». اکنون هم با تکیه به نیروی لایزال دهقانان زحمتکش است که هیئت های ۷ نفری می توانند بر تشبثات بزرگ مالکان فائق آیند.

روستائیان گارانتز، واقع در بخش مانه، نیز به دفعات به تظاهرات و اقدامات جمعی و ارسال شکایت نامه اقدام کرده اند. خواست اصلی این روستائیان زحمتکش اجرای قانون اصلاحات ارضی بمسود آنان است. مضمون کلی تمام شعارها به هنگام حقی طلبی ها عبارت بود از: «چرا مالک بالای صد هکتار زمین داشته باشد و ما نان خوردن نداشته باشیم». آنان همچنین خواست هایی چون تامین آب آشامیدنی، تامین امکانات درمانی و بهداشتی و نیز تامین وسایل و امکانات کار دارند، تا پس از پایان جنگ با تمام نیرو به آباد کردن ده و از دید محصول بپردازند. روستای هاور، روستایی در بخش مانه و سملقان است. در این روستا ۶۰۰ نفر زندگی می کنند. روستائیان تهی دست روستای هاور به دفعات دست به راهپیمایی ها و اقدامات جمعی و ارسال شکایت نامه زدند. خواست اصلی آنان رسیدگی به وضع

اراضی و اجرای قانون اصلاحات ارضی بمسود آنان است. لازم به تذکر است که اراضی کشاورزی موجود در این روستا، کفاف جمعیت را نمی کند. همچنین اکثر جوانان هاور برای کارگری به تهران و شهرهای مازندران می روند. لیکن سکونت آنان موقتی است و مجدداً به روستا باز میگردند. ضروری است که پس از رسیدگی هیئت هفت نفری بموضع اراضی بایر و موات، مطابق قانون اصلاحات ارضی، دولت با تدارک وسایل و امکانات کار برای روستائیان در مقابل کشت کردن روستائیان در برابر کشت رساند و آنان را نیز تشویق به کار تعاونی در این اراضی کند. همچنین باید در این روستا صنایع جنبی ایجاد شود و از نیروی جوانان روستا استفاده صحیح بعمل آید.

روستای لنگر سملقان در بخش مانه و سملقان در شهرستان بجنورد خراسان قرار دارد. جمعیت این روستا ۲۶۰ نفر است. دهقانان بی زمین و کم زمین روستای لنگر سملقان بکرات دست به اقدامات جمعی زده اند. توضیح این که، در این روستا زمین هایی وجود دارد که قبلاً مردم روستا از منابع طبیعی گرفتند و اختلاف بر سر تقسیم این زمین ها را باید هیئت ۷ نفری با اجرای قطعی قانون حل و فصل کند. شعارهایی که آنان در اعتراضات خویش می دادند «مستضعف پیروز است». مستکبر نابود است» و «خمینی رهبر ماست، مستکبر دشمن ماست» بود. روستائیان می گویند که زمین داران باید از زمین هایی که از منابع طبیعی گرفته شده است، چشم پوشی کنند. آنان همچنین خواستار اجرای قانون اصلاحات ارضی در مورد زمین های واقع در محدوده روستا هستند. این روستائیان از دولت می خواهند که بذر و کود و وسایل کشاورزی، در اختیار آنان قرار دهد، تا در جهاد کشاورزی «قائلانه شرکت کنند و سهم خود را در از دید محصول زراعی و دامی و شکست توطئه های خرابکارانه آمریکا و اربابان ادا نمایند. این دهقانان هم اکنون با شرکت در سنگرهای جنگ علیه تجاوز رژیم صدام و در کشتزارهای تولید علیه محاصره اقتصادی آمریکا، از انقلاب خود قاطعانه دفاع می کنند.

گذری به روستای مهر آباد آبشور

این ۵۱ نشاب برق عبارتند از خانه مالک و پسرانش علاوه مسجد که برق این خانه بوسیله نصب ژنراتور روی موتور پمپهای آقای کسرتا مین میشود. در حال حاضر پسران و اگزاران این اراضی به اهالی، عمده مالک و پسرانش بخصوص مزاحمت های زیادی برای آنها

و یکصد تومان پول دادند. بزرگ مالک ده مارا مجبور کرد که یاصد تومان پول بیاپتو رابایشان بدهیم، و چون قدرت داشت، همه اطاعت کردند. و نیز چنین میگفت: «وی ادعای مالکیت بر تمام اراضی اطراف مهرآباد داشت، در قسمتی از این ۲۸۰ هکتار اراضی زراعت میکرد بقیه رانه خود زراعت میکرد و نه کسی جرات داشت حتی از داخل آن عبور کند. اگر گاو یا گوسفندی وارد زمینها یا زراعت اومیشد، گاو و یا گوسفندان را توقیف میکرد و منتظر میماند تا صاحبش برای پس گرفتن باومراجعه کند و آنگاه اوشروع به فحاشی و احتمالاً کتک کاری میکرد و برای همین بیشتر اوقات مردم از گاو و گوسفند خود میگذشتند و باو مراجعه نمیکردند. غمده مالک، که علاوه بر این اراضی دارای یک باغ وسیع (مرکبات و نخل) در مهرآباد است، در روستاهای مجاور واز جمله روستای قدیمی نیز باغ و زمین دارد. دودستگاه موتور و پمپ در باغ مهرآباد عمده مالک کاز میگند، در این روستا حدود ۵ خانه دارای برق است

روستای مهرآباد در فاصله ۱۵۰ کیلومتری شرق جنوب شرقی داراب، در حاشیه جنوبی دشت آبشور قرار دارد. روستا دارای یک مدرسه ابتدایی با دو اتاق است و اخیراً بوسیله جهاد سازندگی کار لوله کشی بنیای رسیده است. بوسیله هیئت ۷ نفری ۲۸۰ هکتار زمین به ۶۲ نفر خوش نشین این روستا واگذار شده است. فعلاً حدود ۵۰ نفر از این تعداد، آمادگی خود را جهت کشاورزی اعلام داشته اند. حدود بیست سال پیش این روستا در مجاورت رودخانه آبشور قرار داشته، که در اثر طغیان رودخانه ویران شده است. از آن زمان روستا در محل فعلی، که چند کیلومتری با رودخانه فاصله دارد، احداث شده است. یکی از روستائیان وقتی از ظلم ها و تجاوزات عمده مالک دم تعریف میکرد، از جمله میگفت: «از زمانیکه خانه های ما کنار رودخانه خواب شد و به محل قطعی کوچ کردیم، به هر خانواری که تخته پتو

فراهم میکنند، از جمله اقدام به حفر چاه غیر مجاز در این اراضی کرده اند. مزاحمت های آنها بحدی است که اهالی خواستار حضور مجدد هیئت ۷ نفری در منطقه هستند. نماینده اهالی و خوش نشینها، که از طرف هیئت ۷ نفری تعیین شده است، میگفت: «همه ما در صورت لزوم حاضریم و رفتن به جبهه جنگ هستیم و تاکنون ۲۴ راس گوسفند و مقداری نان و خرما به جنگ زدگان کمک کرده ایم و وقتی برای جمع آوری کمک به بزرگ مالک شروتمند مراجعه کردیم، ایشان حتی یک سر خرما هم کمک نکرد». وقتی برای آنها توضیح داده شد که البته در صورت لزوم شما بیستی در جنگ شرکت کنید، ولی در این شرایط، زراعت و تولید هم دست کمی از شرکت در جنگ ندارد و شما ضمن اتحاد و همستگی، باید هر چه زودتر کار کشاورزی را شروع کنید، گفتند: «ما ۵۰ نفر کاملاً با هم متحد هستیم، حتی ۱۲ نفر بقیه از ۲۳ نفر به ما قول داده اند که در صورت لزوم

دهقانان چشم بر اهتد: هیئت های ۷ نفری باید هر چه زودتر وقاطع تر کار واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین را به انجام برسانند

لیبرال‌ها و مسئله طبقات اجتماعی

روشنفکران لیبرال، به ویژه نویسندگان روزنامه "میزان" سخت از "مبارزه طبقاتی" و ذکر عبارت "طبقات اجتماعی" بدشان می‌آید و این را اختراع من درآوردی، از پیش خود و دروغین مارکسیست‌ها می‌دانند و چون در تنها قاضی رفتن استادان کل هستند، جزو ماش را هم نوشته‌اند و "پوچی" این اندیشه را به ضرب استدلال به دعوی خودشان منطقی و باصلاح اسلامی، گویا مدت‌هاست ثابت "هم کرده‌اند!"

خلاصه این "استدلال" اینست که: در جامعه تضادهای عاطفی (مانند حسد و بغالت و جاه‌طلبی و غیره) از تضاد مادی و "شکی" که گویا مارکسیست‌ها آن را تحت عنوان "تضاد طبقاتی" بزرگش می‌کنند، زیرا مادی و دنیا دوست و شکم پرست هستند (۱) به مراتب حادث و مهم‌تر است و این که گویا موافق تاریخ ادیان، اولین تضاد در تاریخ تضاد هابیل و قابیل بود، که آن هم بر اساس حسادت بود و نه بر اساس شکم و یا مال‌داری، که در قبال آن، تضادهای عاطفی شریکتری محسوب می‌شود!

سطح استدلال و سطح ردیه - نویسی بر مارکسیسم تحت عنوان "علمی" در کشور ما، در همین حدودها است، و این الحق قابل تأسف است. این آقایان وقتی از علمی بودن این اصطلاحات سخن می‌گویند، به فریاد می‌آیند که، علمی یعنی چه، این اصطلاحات اسلامی نیست! ما نمی‌دانیم چگونه بکار بردن اصطلاحات علمی در ترمودینامیک و وارد کردن آن در مسائل فیزیکی و قرآنی مجاز است، ولی بکار بردن اصطلاحات علمی جامعه شناسی مجاز نیست؟! چرا این "استدلال" به میان کشیده می‌شود؟ برای آنکه اصل مسئله جامعه ما، یعنی مبارزه دهقانان بی زمین و کم زمین علیه خان‌ها و بزرگان مالکان، مبارزه مردم زحمتکش و تنگدست علیه سرمایه‌داران وابسته و محترک، که یک مبارزه اجتماعی و اقتصادی است، لوث شود. مثلا گفته شود که فلان کس سرمایه‌دار نیست، بلکه مرد فعال و مبتکر است که توانسته است با مساعی خود یک اقتصاد موفقی راه بپاندازد، ولی تنگ‌ها و بیکارها و بی‌ابکارها به چنین آدمی "حسادت" می‌کنند؛ لذا آن فرد مبتکر و فعال نیست که مقصر است، حدودها مقصودند که چشم ندارند ببینند و به جای آنکه تنبلی خود را کنار بگذارند و آن‌ها هم بروند. میلیونر بشوند و بیخود به میلیونرهای معصوم "حسادت" نکنند، چنانچه می‌کنند که ما مورد "استثمار" قرار گرفته‌ایم. استثمار

چیست؟ طبقات متضاد چیست؟ این اصطلاحات "اسلامی" نیست! این یک قصه "کهنه" است که تنها اختراع تئوری‌دان‌های "لیبرال" وطنی ما نیست. در سراسر آمریکا و اروپای غربی، یکی از انواع استدلالات عامیانه و عوام‌فربانه علیه مارکسیسم، همین است. حتی شاه ملعون و زشت فرح و خواهرش اشرف نیز این تئوری "حسادت" را بارها تکرار می‌کردند. مبارزه بحق مردم علیه ستم و غارت خاندان پهلوی به عقیده این حیوانات نتیجه "حسادت و بغالت" بود. "میزان" را بخوانید، همین حرف‌ها تکرار شده است و می‌شود.

موافق این فلسفه ابلهانه، ریشه انقلاب‌ها "حسادت تنبلی و احمق‌ها" (که متأسفانه گویا اکثریت دارند) علیه افراد "لایق و مبتکر" است (که متأسفانه اقلیت دارند)!

به این ترتیب کشف علمی مهم کسانی که از قرن نوزدهم، حتی مدت‌ها پیش از مارکس، مسئله وجود طبقات اجتماعی را در ارتباط با اقتصاد اجتماع، با تولید اجتماعی، با مالکیت، به میان کشیده‌اند و نقش این تضاد طبقاتی را در حرکت اجتماعی دیده‌اند، به یک ضرب رد می‌شود! فقط باقی می‌ماند حسادت ابدی قابیل‌ها علیه هابیل‌ها، که البته قابیل‌ها در اینجا توده‌های زحمتکش‌اند و هابیل‌ها گردنه‌گیران مولتی میلیاردر! ما دچار این پندار کودکانه نیستیم که افرادی را که، درست بر اساس منطق طبقاتی، وجود عینی طبقات را منکر می‌شوند، قانع کنیم. در سابق این اختراع ساواک بود که بجای تضاد طبقاتی می‌گفت: "فرت طبقاتی". این اختراع امپریالیسم است که وقتی قادر نیست تنوع اجتماعی را منکر شود، آن را به "تشریحی" مشاغل "تقلیل می‌دهد و صدها قشر (ستراتوم) در جامعه فرض می‌کند، تا به نحوی از آنجا از شر "طبقه" خود را خلاص کند و کارگر را هم غفل مثلا آقای دیویدراکفلر معرفی می‌کند! حقه قدیمی است و تازگی ندارد.

ولی مسئله طبقات و تضاد طبقاتی در جامعه ما مطلبی است که هر قدر هم قلم به دستان بورژوا در سفسطه ماهر باشند، در صحنه زندگی خود را نشان می‌دهد و نمی‌توان آنرا منکر شد. تضاد قحاش فقر و ثروت در جوامع طبقاتی چنان است که نمی‌توان منکر آن شد.

در جهان ما اکنون دو نوع نظام اجتماعی مبتنی بر دو نوع مالکیت وجود دارد: (۱) مالکیت همه اجتماع بر وسایل تولید (ماشین و زمین و وسایل

ارتباط)، (۲) مالکیت قشرهای محدودی به نام کارخانه‌دار، بانکدار، سهام داران بزرگ شرکت‌ها، مالکان بزرگ اراضی، صاحبان بزرگ مستعلات و غیره. یکی از این نظام‌ها را جامعه - گرای (یا سوسیالیسم) می‌نامند. نظام دیگر را سرمایه‌داری - انقلاب اسلامی ایران پس از برانداختن استبداد، در مقابل این سؤال قرار گرفته است که: در چارچوب درک راستین از مبانی اسلام، کدام یک از این دوره‌ها را، در چارچوب آموزش و پیش خود، باید مورد توجه قرار دهد و مسئله را چگونه باید حل کند؟

لیبرال‌ها سال‌هاست فریاد می‌زنند که در قرآن آمده است: "ولا تنس نصیبک من الدنیا"، لذا مال داری و ملک‌داری و بازرگانی و کارخانه داری و غیره، بمنظر آن‌ها، با تعالیم



اسلام مخالف نیست. مسلمانان انقلابی هم سال‌هاست می‌گویند که در قرآن آمده است: "لیس الانسان الاماسی" ریشه هر چیزی متعلق به انسان و سعی و کار اوست و احدی حق ندارد از کار دیگری (کار کارگران و دهقانان) زور اندوزی کند. آن‌ها می‌گویند که اسلام از همان آغاز به یاری توده‌های مستمند و یا، به قول امام خمینی، "کوچ نشینان" برخاست و پیغمبران علیه "مترقیین" و "ملا" و کجینه‌سازان زر و سیم، به سود "مستضعفین و خوار شدگان زوری زمین، وارد میدان شده‌اند، و این "وعاظ السلاطین" بودند که سعی کردند برای غارتگری قشرهای ممتاز، جامعه شرعی بدوزند. در انقلاب اسلامی ایران این بحث از همان آغاز به‌شدت لیبرال‌ها تفسیر دلخواه خود را به سود

سرمایه‌داری و بزرگ مالکی و مالکیت نامحدود مطرح کردند. مسلمانان انقلابی نیز استنباط خود را علیه مالکیت نامشروع و حرام بسود توده‌های زحمتکش در میان نهادند و بیانات امام خمینی در این زمینه کاملاً صریح و روشن است. این مطلب نتیجه "القاء" ایدئولوژی دنیا پرستان "ما" تاثیر این و آن نیست. این مطلب "شهره" واقعیتی است که در ده و شهر، در کارخانه و بازار، وجود دارد و انقلاب ایران نمی‌تواند در باره آن ساکت بماند. این مطلب را نحوه ادامه انقلاب و شکل گیری آن و نحوه سازی جامعه به‌میان آورده است و از آن نمی‌توان گریخت.

این مسئله در انقلاب مشروطیت نیز طرح شد، منتها آن ایام لیبرال‌ها توانستند، به یاری امپریالیسم انگلستان، مصالحین بنیادگرا و مکررات‌های انقلابی را نابود کنند (جسمانابود کنند) و بعدها به‌دست خاندان پهلوی نظام شوم سرمایه‌داری وابسته را در ایران بنشانند.

حالا هم در این انقلاب، عین همان وضع است. لیبرال‌های امروزی می‌خواهند با استفاده از کمک مستقیم و غیرمستقیم آمریکا و انگلیس، مسلمانان انقلابی را، که خواستار اجرا عدالت و قسط اجتماعی هستند، از میدان بدر سازند و بعد جاده را برای اوپوسی‌ها و پالیزبان‌ها بکشایند، تا به دنبال آن‌ها، همه سرمایه‌داران و ملاکان فراری یا خائمشین میدان دار شوند و حمام خون تازه‌ای مانند ۲۸ مرداد ۳۲ در ایران برآید و آن هم بموت‌ها و بموت‌ها بزرگ‌تر از ۲۸ مرداد ۳۲، چون انقلاب بموت‌ها بزرگ‌تر و عهد آن بموت‌ها وسیع‌تر است. لیبرال‌ها جاده کوب فاجعه عظیمی هستند که، وای بر انقلاب، وای بر جامعه، اگر پیروز شوند!

در پس سیمای بی‌آزار و پروفور - ماپانه برخی لیبرال‌های مسلمان (مسلمان به‌معنای دلخواه آن) یک چنین فاجعه مخوفی وجود دارد. آن‌ها در مسجد و منبر، با توسل به آیات و احادیث، این راد خونین را هموار می‌سازند.

این آقایان به عبت تبلیغ می‌کنند که مسئله مبارزه طبقاتی را مارکسیست‌ها ساخته‌اند. یا توده‌های آن را اختراع کرده‌اند. این یک واقعیت عینی است. وجود تضادهای عاطفی در جامعه دلیل نیست که تضاد های دیگر: اقتصادی، ملی و قومی، فکری و غیره وجود ندارد. اینکجهاد اقتصادی (تضاد بر سرما مالکیت) یکی از اهم این تضادهاست، تاریخ واقعی بشریت از آن حکایت می‌کند و قضیها

با مثال از هابیل و قابیل نمی‌توان کوچک ساخت. برخی‌ها تصور می‌کنند که چون ملاک‌های مختلفی برای تقسیم در مورد یک "کمپلکس"، یعنی یک مانووه، بفرنج (مثلا اجتماع) می‌توان مطرح ساخت، پس لازم نگردد است که یکی از این ملاک‌ها (مثلا تقسیم اقتصادی) دارای وزن علمی بیشتر باشد. این خطای فاحشی است، سوء استفاده از نام مذهب و احساس مذهبی توده‌ها و احترام آن‌ها به‌کتاب و احادیث مذهب، بسود خود و جیب خود هم بزرگ‌ترین تمهکاری است.

هر اندازه هم که شما طبقات و تضاد طبقاتی را به‌این بهانه مضحک که در جامعه تضادهای روحی و عاطفی هم هست (بسیار خوب هست) منکر شوید، کوچک‌ترین تاثیر در سیر عینی امور ندارد. می‌گویند: "جوالدوز رادز کیسه نمی‌توان پنهان کرد"، کاری به این بزرگی، که گروهی محدود سراسر جامعه را، از آمریکای امپریالیستی گرفته تا ایران ما، که حتی پس از انقلاب هم هنوز عرصه غارت سرمایه‌داران بزرگ و ملاکان است، می‌چاپند، مسئله کوچکی نیست که بتوان آن را با سفسطه‌های عامیانه مخفی کرد. شما این کار را تا دلتان می‌خواهد بفرمایید! ولی قوانین عینی جامعه، مانند همه قوانین عینی کار خود را خواهد کرد، چنانکه کرد و می‌کند، و هر سدی را که در مقابل آن بیافرینند، دیر یا زود می‌شکند.

البته با توطئه وزور می‌توان عمل هر قانونی را در جامعه برای مدتی به عقب انداخت، ولی خواه طبیعت و خواه جامعه، در مسیر خود مانع غیر طبیعی و نابهنجار را به عقب می‌زنند و مسیر ضرور خود را طی می‌کنند، سیر ضروری کناشی از بنیادهای تکاملی خود مردم است و نسخه آن را احدی اختراع نکرده، بلکه از عمل زنده، از واقعیت زنده نشات می‌گیرد. صحبت بر سر ضروریات سوزان تکامل یک جامعه، یک مردم است که مایلند هم از جهت مادی و هم از جهت معنوی، به سطح بالاتری ارتقا یابند.

ولی آقای لیبرال! این مطالب را برای شما نمی‌گویم. این مطالب را برای کسانی می‌گویم که منصفانه و آماندانه بدون پیشداوری، بین سخنان شما و ما قضاوت کنند، و الا شما تصمیم خود را، بر حسب همان منافع مالدارانی، که از آن آفت‌در سالوسانه خود را دور جلوه می‌دهید، گرفته‌اید؛ ای آنکمه "تقریباً بیان دم‌زنی از عشق" ما با تو نداریم، سخن، خبر و سلامت!

نمایشگاه جنگ بر ضد تجاوز آمریکائی رژیم صدام در رشت



دانش آموزان هوادار سازمان جوانان توده ایران در رشت، در ۱۵ آذر ۵۹، در جلوی دبیرستان نوربخش رشت، نمایشگاهی درباره جنگ بر ضد تجاوز آمریکایی رژیم صدام تشکیل دادند، که با استقبال دانش آموزان و اهالی محل روبرو شد.

آزادی در خط امام، آزادی در خط لیبرال‌ها

زمن‌ها و نطفی آزادی تکیه بر غارتگران آزادی در خط لیبرال‌ها، آزادی تکیه بر جناح‌های امپریالیستی و غارتگران بمنظور به اصطلاح مبارزه با جناح‌های دیگر (کیهان - ۱۳ آذر ۵۹)

آزادی در خط امام: آزادی پاسداران انقلاب برای سلب آزادی برخاستن وابسته آمریکا

آزادی در خط لیبرال‌ها: سلب آزادی از پاسداران انقلاب و آزادی وحکم خروج از کشور برای خائشین (کیهان - ۱۳ آذر ۵۹)

آزادی در خط امام: سلب آزادی و قلع وقع فتوادل‌های وابسته و مزدوران ساواکو، "سیا" جهت آزاد ساختن روستائیان و عشایر مستضعف آزادی در خط لیبرال‌ها: آزادی برای فتوادل‌های وابسته و "سیا" تحت عنوان دفاع از امنیت قضائی (کیهان - اول دی ۱۳۵۹)

بزرگ - اصلی ترین عامل اسارت انسانها (کیهان - ۱۳ آذر ۵۹)

آزادی در خط امام: آزادگذاشتن جوانان پرشور انقلابی در جامعه برای سلب آزادی از توطئه‌گران و شیطان بزرگ - اصلی ترین عامل اسارت انسانها

آزادی در خط لیبرال‌ها: سلب آزادی و محکوم نمودن جوانان انقلابی به نفع آزادگذاشتن خیانت و توطئه برای توطئه‌گران و شیطان بزرگ (کیهان - ۱۳ آذر ۵۹)

آزادی در خط امام: سلب آزادی از خائشین بمنظور حمایت از حقوق و آزادی مستضعفین

آزادی در خط لیبرال‌ها: آزادی در توطئه برای مستکبرین و وابستگان آنها بمنظور سلب آزادی از مستضعفین (کیهان - ۱۳ آذر ۵۹)

آزادی در خط امام: آزادی مبارزه با وابستگی و سیا از طریق تکیه به اسلام

آزادی در خط امام: دفاع از نهادهای مردمی و انقلابی حافظ منافع مستضعفین

آزادی در خط لیبرال‌ها: سرکوب و توهین و اختناق برای نهاد های مردمی و انقلابی حافظ منافع مستضعفین (کیهان - ۱۳ آذر ۵۹)

آزادی در خط امام: مبارزه با تفکرات عمومی و در نتیجه آزاد ساختن اندیشه‌ها از توطئه قلم‌های مسموم و وابسته به شیطان بزرگ

آزادی در خط لیبرال‌ها: آزادی برای توطئه و انحراف افکار عمومی و در نتیجه آزادی برای قلم‌های مسموم و منفذ و وابسته به امپریالیسم بمنظور اسارت و وابستگی انسان (کیهان - ۱۳ آذر ۵۹)

آزادی در خط امام: آزادی در مبارزه با شیطان بزرگ و عدم هرگونه سازش با اصلی ترین عامل اسارت انسانها

آزادی در خط لیبرال‌ها: آزادی در سازش و مصالحه و ارتباط با شیطان

چه کسی مسئول فرار عناصر ضد انقلابی است؟

حجت الاسلام خلغالی، طی سخنرانی خود در شهر سمنان، در اشاره به «وابستگی امریالیسم و ارتجاع جهانی» که توانستند از ایران بگریزند و خود را از زیر ضربه های انقلاب نجات بدهند، و درباره اینکه چه کسانی مسئولیت فرار آنها را به عهده دارند، اظهار داشت:

«آنها به وسیله طرفداران غرب که در دولت موقت بودند، فرار کردند، گذرنامه قلابی درست کردند، مراعاتی نزیه و بختیار را چه کسانی فراری دادند؟»

و می دانیم که موضوع به همین جا، به فرار عناصر ضدانقلابی خاتمه نیافت؛ میدانیم که عناصر فراری ضدانقلابی به گروه اویسی ها، جسم ها، یالیزیانها و دیگر جلازان و دشمنان خلق و انقلاب ایران بیوستند؛ میدانیم که آنها در تدارک جنگ

تجاوزکارانه دارو دسته صدام شرکت مستقیم داشتند؛ میدانیم که آنها بفرمان امریالیسم آمریکا در تمام توطئه های ضدانقلاب و جمهوری اسلامی ایران شرکت داشته و دارند.

و لذا سؤال مشخص - همانطور که حجت الاسلام خلغالی بدرستی مطرح کرده - اینست:

چرا افکار عمومی مردم ایران نباید بدانند که عناصر ضدانقلابی چگونه و بدست چه کسانی، نه فقط از مجازات سزوار خود گریخته اند، بلکه برای ادامه فعالیت ضدانقلابی خود امکان بدست آورده اند؟

امید است که مقامات مملکت، به این سئوالی که بر سر زبان مردم زحمتکش و انقلابی ماست، پاسخ شایسته بدهند.

رژیم السالوادور در آستانه سقوط است

در السالوادور وضع انقلابی حاکم است. بنا به گزارش های رسیده از این کشور، نبردهای شدید در شمال کشور میان رزمندگان مین دوست و نیروهای مزدور ارتش ادامه دارد. مین دوستان یک شهر دیگر را در این منطقه تصرف کرده اند و سربازان ارتش، که از سوی مستشاران نظامی آمریکا رهبری میشوند، یک رشته شکست های جدی متحمل شده اند. نیروهای دولتی با توجه به این شکست ها، دیوانه وار افراد غیر نظامی را مورد حمله قرار میدهند و روستاها و شهرهای کوچک را، بدستور مستشاران آمریکائی، وحشیانه بمباران می کنند.

از سوی دیگر، جبهه آزادیبخش ملی فارابوندومارتی اعلام کرد که تدارک یک قیام و اعتصاب عمومی آغاز شده است. سرگرد کارلوس تورس، یکی از فرماندهان جبهه، در مصاحبه ای با روزنامه «اوتوماس اوتو»، چاپ مکزیکو، گفت:

«جبهه آزادیبخش فارابوندومارتی در حال حاضر ۹۰ درصد سرزمین السالوادور را کنترل میکند و در نواحی آزاد شده، ارگانهای حکومتی انتخابی تشکیل می شود. کارگران، کشاورزان، کسبه زحمتکش، دانش آموزان و دانشجویان، گروه های مسلح تشکیل داده اند و به دفاع در برابر حملات وحشیانه مزدوران رژیم پرداخته اند.»

کارلوس تورس گفت:

«مستشاران نظامی آمریکا در السالوادور از همان تاکیکهایی که در ویتنام بکار گرفته شده، استفاده می کنند و روستاییان یگانه را با هلی کوپتر و هواپیما زیر آتش می گیرند. بر اثر این حملات وحشیانه دهها هزار نفر آواره شده اند.»

تلگرام جامعه روحانیت خوزستان به حضرت آیت الله منتظری: گله مندی شما از کم تحرکی و یارکود جبهه ها منعکس کننده فریاد رزمندگان این جبهه بود

از طرف جامعه روحانیت خوزستان تلگرامی برای فقیه عالیقدر حضرت آیت الله منتظری مخاطب شده.

در این تلگرام از جمله آمده است: «قیام تسلی بخش حضرت عالی که متضمن همدردی آن حضرت با مردم شهبینرور و راهزور گله مندی از کم تحرکی و یارکود جبهه های اسلام بود، از آنجا که بیانگر خواستها و دردهای محرومان این استان و منعکس کننده فریاد رزمندگان این جبهه بوده، موجب امتنان جامعه روحانیت گردید و

روزنه امیدی برای ما ویرسئل ارتش و سپاه پاسداران گشوده. مردم این خطه به ویژه رزمندگان دلیر که مبارزات قهرمانانه و فداکاری های آنان در تاریخ کم نظیر است، با مراجعات مکرر از حالت رکود و عدم صدور فرمان تهاجم ابراز نارضایتی کرده اند. بسیار بیجا است که آن مجاهد نستوه که همواره در متن قضایا و در جریان دقیق اوضاع جبهه ها و مشکلات آن بوده و ضمن تماس با اقشار مختلف ارتش و

از افسران و درجه داران و سربازان و سپاه پاسداران از نزدیک با درد دلها و خواسته های آنها آشنا شدما، اطلاع خود را به عرض امامت و رهبر کبیر انقلاب برسانیم.

«اکنون نسبت آرزوی ملت شریف و شهبینرور ایران این است که هر چه زودتر در مورد این مهم که سرنوشته امت اسلامی در گرو آن است، تصمیمی قاطع و شایسته انقلاب اسیل اسلامی در خط رهبری امام اتخاذ گردد.»



کنگره فوق العاده «میلا» برنامه پیشرفت آنکولا را بسوی سوسیالیسم تصویب کرد

خوزه ادواردو دوش سانتوش، یار دیگر بعنوان صدر «میلا - حزب کار آنکولا» انتخاب شد.

در اولین کنگره فوق العاده «میلا - حزب کار» که در لواندا پایتخت آنکولا برگزار شده، وظایف ساختمان اجتماعی و اقتصادی آنکولا مورد بحث قرار گرفت و چشم اندازهای آینده تشریح شد. ۴۶۴ نماینده ای که از سراسر آنکولا در این کنگره شرکت داشتند، تصویب کردند که در حل و فصل مسائل اقتصادی - اجتماعی توجه اصلی به کارآئی برنامه ریزی و بالابردن سطح کارآئی تولید و بهره وری کار معطوف شود.

کنگره تأیید کرد که بالابردن سطح زندگی زحمتکشان از جمله مهمترین وظایف است و تدابیر مشخص در این زمینه در کنگره اتخاذ شد.

در پایان کار کنگره قطعنامه ای تصویب شد که در آن «میلا - حزب کار آنکولا» به نمایندگی از سوی خلق آنکولا، از تمامی کشورهای دوست و در درجه اول اتحاد شوروی و کوبا، بظلمت کنگ و حمایت انترناسیونالیستی آنها، سپاسگزاری کرده است.

در قطعنامه نقش قاطع نیروهای مسلح خلق برای آزادی آنکولا (فایلا) در دفاع از دستاوردهای انقلابی، حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری خلق آنکولا و درهم شکستن تجاوزات مداوم رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی مورد تأیید قرار گرفته است. نمایندگان کنگره یار دیگری به اتفاق آراء خوزه ادواردو دوش سانتوش را یار دیگر بعنوان صدر حزب انتخاب کردند.

خوزه ادواردو دوش سانتوش در سخنرانی خود در پایان کنگره به اهمیت تاریخی کنگره در حل و فصل وظایف بازسازی ملی-ساختمانی سوسیالیسم در آنکولا اشاره کرد و گفت: «برگزاری کنگره یک پیروزی دیگر حزب و زحمتکشان آنکولا بر نیروهای ارتجاع داخلی و خارجی است. میلا - حزب کار، اصول مارکسیسم - لنینیسم را با توجه به واقعیت های موجود آنکولا در تمام فعالیت های خود که هدف از آن ساختمان سوسیالیسم در جمهوری خلق آنکولا است، راهنمای خود قرارداده و برای تحکیم دوستی و همکاری با همه دوستان واقعی و طبیعی خود یعنی جامعه کشورهای سوسیالیستی تلاش خواهند کرد.»

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

خان بیهوده را بزنیم کدیم
خانم حزب را کدیم آب و

رقبای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما شمانجن چهلمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران را در خانم حزب برگزار کنیم برای خریدن و یا ساختن خانه حزب یکمک مال شمانیاژ مندیم. کمک مالی خود را به نام رضا شلتوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه تسهیل قرضی شمالی بپردازید.

توجه: پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است.

ع. پ. ۳۹۰۰۰۰ ریال
م. ش. ف. از چالوس ۱۰۰۰۰۰ ریال

پوشش و پاسخ
شماره ۱۹۵
منتشر شد

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بیزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH
MARDOM
No. 411
4 January 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر یا نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۴۱/۳۵۵۹، منطقه
۱۴ پستی تهران

مذاکرات هیئت های اقتصادی لهستان و شوروی

یک هیئت اقتصادی لهستان به ریاست مینچولاویا گسلی، معاون نخست وزیر لهستان، در مسکو با مقام های اقتصادی شوروی درباره مسائل مورد علاقه دو کشور مذاکراتی انجام داد.

در این مذاکرات بویژه روابط اقتصادی در سال جدید مسیحی و هماهنگی طرح های پنج ساله عمرانی ۱۹۸۵-۱۹۸۱ مورد توجه قرار گرفت.

چین به رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی نفق میفرود شد

روزنامه «استار» چاپ اوگاندا، اعلام کرد که چین و رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی آماده میشوند که یک قرارداد درازمدت در مورد تحویل نفت به آفریقای جنوبی امضاء کنند. این روزنامه ضمن اشاره به این مسئله که، جامعه جهانی خواستار مجازات اقتصادی رژیم آفریقای جنوبی شده است، نوشت که رهبران چین ریاکارانه از مبارزه علیه تبعیض نژادی سخن میگویند، اما با توجه به همکاری های چین با نژادپرستان، این سخن رهبران چین، بیش از پیش مشنر کننده بنظر میرسد.

مردم «بلیز» خواهان استقلال کشور خود هستند

در اوایل پاییز اسال مذاکرات جدیدی، که میان بریتانیا و گواتمالا درباره استقلال بلیز در نیویورک صورت گرفت، بویژه برائت موضوع انعطافناپذیر رژیم نظامی - دیکتاتوری گواتمالا، با شکست پایان یافت.

بلیز کشوری است در کارائیب، با مساحت ۲۲۹۶۵ کیلومتر مربع و جمعیت ۱۵۰ هزار نفر. این کشور، که هنوز مستعمره بریتانیا است، از خودگردانی داخلی برخوردار است. لیکن گواتمالا، که خود را وارث حقوقی اسپانیا میدانند، نسبت به این کشور دعوی ارضی دارد. دولت دیکتاتور لوگاس تهدید کرده است، که چنانچه لندن بدون اجازه گواتمالا استقلال بلیز را بپذیرد، گواتمالا به مداخله نظامی دست خواهد زد.

بلیز، که تا سال ۱۳۵۲ هندوراس بریتانیا نامیده میشد، صدو بیست و یکسال است که به موجب قراردادی میان گواتمالا و بریتانیا در مرز-

های کنونی وجود دارد. اما گواتمالا بلیز بهانه که بریتانیا، بخلای قرارداد ۱۲۳۶، به ساختن جاده ای بین بلیز سیتی و گواتمالا مبادرت نورزیده است، این قرارداد را باطل اعلام کرده است.

اکثریت مطلق مردم بلیز و «حزب خلق متحد» بر رهبری جورج پرایس، که سی سال است زمام امور این کشور را به عهده دارد، خواهان استقلال بلیز هستند. چند هفته پیش سازمان ملل متحد نیز با ۱۳۰ رای مثبت خواستار حفظ تمامیت ارضی بلیز شد.

منابع نقی مبمی، که در استان تولدو در بلیز موجود است، یکی از عوامل ادامه مشاجرات درباره بلیز است.